



## خصال مدیریتی شهید عارف حسینی

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر افتخاری

هر چند که بحث پیرامون شخصیت والای شهید عارف، مولانا عارف حسین حسینی (ره) که عمر گرانبه و پریشارش را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و بیداری مردم سپری کرد و در راستای آن با کلیه خطوط انحرافی چپ و راست، ارتجاع و التقاط، وهابی‌گری و قادیانی‌گری و بالاخره استبداد داخلی و استعمار خارجی و با تمام مظاهر فتنه و فساد آن درآویخت و مبارزه کرد و سرانجام در اثر یک توطئه ناجوانمردانه از سوی مثلث شوم: امپریالیسم، وهابیسیم و عقل‌گسیس در محراب عبادت به شهادت رسید و به لقاءالله پیوست، برای نگارنده که با وجود ارتباط وثیق معنوی با وی، خیلی زیاد از نزدیک با شهید محشور نبودم، چندان سهل و آسان نیست.

اما از باب آنکه یادی هر چند گذرا از آن شهید محراب و از آن قاتیل تیر کین و عداوت شده باشد، لذا جملات زیر را به عنوان عرض اخلاص و ادای احترام به مقام شهید و شهادت تقدیم می‌کنم و امیدوارم همین اندک با وجود نقص تعبیری که دارد، نمونه‌ای از بسیار و مثنی از خروار به حساب آید.

علامه فقید، شهید عارف، عارف حسین حسینی (ره) که هم اکنون به مناسبت اولین سالگرد شهادت مظلومانه‌اش به سوگ می‌نشینیم، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر و یکی از زبده‌ترین علمای زمان و یکی از محبوب‌ترین و پرنفوذترین شخصیت‌های علمی و سیاسی و مذهبی جامعه تشیع و کشور اسلامی پاکستان بود. او ویژگی‌ها و خصوصیات و ملکات بسیاری داشت که همان ویژگی‌ها و خصوصیات از وی شخصیت اسلامی ممتاز، انسان نمونه و چهره‌ای محبوب و دوست‌داشتنی ساخته بود که اگر دشمنان کینه‌توز و قسی‌القلب می‌گذاشتند و اجل به وی مهلت می‌داد، الگویی عالی و اسوه‌ای حسنه برای جامعه پویا و خداجوی پاکستان اسلامی می‌شد.

یکی از خصوصیات و ویژگی‌های وی درایت و کفایت و مدیریت و مدیریت در کارها بود. با آنکه وی در دورانی خاص و در شرایطی مخصوص و در حالی که همه مخالفان دست به دست هم داده بودند و علیه هرگونه اقدام سازنده و مفیدی کارشکنی می‌کردند و امکان هرگونه برخورد فکری و اصطکاک عملی در میان جناح‌های مختلف وجود داشت، از سوی ملت مسلمان و متعهد پاکستان و روحانیت معظم آن سامان به سمت رهبر سیاسی مذهبی جامعه تشیع برگزیده شد و آن چنان شایستگی و صلاحیتی در انجام این مهم

از خود نشان داد که تا وقتی که در قید حیات بود و سمت رهبری جامعه تشیع و مسئولیت تحریک نفاذ فقه جعفری و سرپرستی سازمان خطی دانشجویان امامیه را به عهده داشت، کمترین نقطه ضعفی به دست مخالفان نداد و به همین دلیل در میان مردم به عنوان یک رهبر فکری و سیاسی و مذهبی شایسته و بایسته و خردمند، معروف و شناخته گردید. این نکته‌ای است که بر هیچ فرد خبیر و بصیری پوشیده نیست. یکی دیگر از ویژگی‌های او صلابت و قاطعیت در کارها بود. هرگاه با توجه به شرایط و مقتضیات و سایر جهات، در امری تصمیمی می‌گرفت و عملی شدن آن را به صلاح اسلام و مسلمین می‌دانست، دیگر کمترین تأمل و درنگی را در انجام

می‌آید. از دیگر ویژگی‌های شهید، وسعت نظر و شرح صدر بود. با آنکه او در شرایط خاصی به سمت رهبری جامعه تشیع برگزیده شد و شرایط زمانی ایجاد می‌کرد که در جهت و طیف و جو خاصی قرار گیرد و حرکت کند، ولی هرگز تحت تأثیر محیط یا طیف خاصی قرار نگرفت و روی قشر خاصی که موجب اصطکاک یا حساسیت دیگران گردد، تکیه نکرد؛ بلکه پیوسته سعی‌اش بر آن بود که توحیدی میان صفوف مسلمین اعم از شیعه و سنی در خط اسلام ناب محمدی (ص) در برابر اسلام آمریکائی و ارتجاعی به وجود آورد و همه را یک‌دل و یک‌جهت سازد. به همین منظور در سمینارهایی که به مناسبت روز جهانی قدس، حج، هفته وحدت و غیره تشکیل می‌داد، از تمام علمای ذی‌شأن و ذی‌صلاح و صاحب نظر شیعه و سنی دعوت می‌کرد و خواستار سخنرانی و اظهارنظر آنها می‌شد و خود نیز سخنانی در جهت اتحاد و هماهنگی تشیع علوی و تسنن نبوی (ص) ایراد می‌نمود که غالباً مفید و راهگشا بودند.

آن روا نمی‌داشت و محال بود کسی بتواند وی را از تصمیمش منصرف و یا متزلزل سازد. مسئله اولتیماتوم به دولت وقت پاکستان در مورد آزادی زندانیان بیگناه سیاسی که در اثر حادثه غیرمترقبه ۶ جولای به زندان افتاده بودند و اعلام راه‌پیمایی عمومی و سرتاسری از تمام نقاط پاکستان به طرف کویته (محل زندانیان سیاسی) در صورت عدم موافقت دولت با آزادی آنها در موعد مقرر که دولت را وادار به تسلیم کرد، یکی از نمونه‌های بارز صلابت و قاطعیت وی به شمار

از ویژگی‌های وی، علاقه و محبت مفرط به نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌خصوص نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی، بالخصوص مجاهدین سنگر نشین و پیکارگر در سطح جهان بود و به همین دلیل روابط بسیار حسنه و نزدیکی با جریان‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، جزیره‌العرب و غیره داشت.

از دیگر ویژگی‌های شهید، وسعت نظر و شرح صدر بود. با آنکه او در شرایط خاصی به سمت رهبری جامعه تشیع برگزیده شد و شرایط زمانی ایجاد می‌کرد که در جهت و طیف و جو خاصی قرار گیرد و حرکت کند، ولی هرگز تحت تأثیر محیط یا طیف خاصی قرار نگرفت و روی قشر خاصی که موجب اصطکاک یا حساسیت دیگران گردد، تکیه نکرد؛ بلکه پیوسته سعی‌اش بر آن بود که توحیدی میان صفوف مسلمین اعم از شیعه و سنی در خط اسلام ناب محمدی (ص) در برابر اسلام آمریکائی و ارتجاعی به وجود آورد و همه را یک‌دل و یک‌جهت سازد. به همین منظور در سمینارهایی که به مناسبت روز جهانی قدس، حج، هفته وحدت و غیره تشکیل می‌داد، از تمام علمای ذی‌شأن و ذی‌صلاح و صاحب نظر شیعه و سنی دعوت می‌کرد و خواستار سخنرانی و اظهارنظر آنها می‌شد و خود نیز سخنانی در جهت اتحاد و هماهنگی تشیع علوی و تسنن نبوی (ص) ایراد می‌نمود که غالباً مفید و راهگشا بودند.

یکی از ویژگی‌های ایشان میانه‌روی و اعتدال در گفتار و کردار و رفتار بود. او از هرگونه افراط و تفریط، تندروی و کندروی، پرهیز داشت و می‌گفت: «اسلام دین اعتدال است و ما امت وسط و میانه هستیم. وظیفه اسلامی و اخلاقی انسانی ما ایجاد می‌کند که از هرگونه تندروی و کندروی که موجب بریدگی ما از مردم و یا مردم از ما می‌شود پرهیزیم و در نهایت



نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌خصوص نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی، بالاخص مجاهدین سنگر نشین و پیکارگر در سطح جهان بود و به همین دلیل روابط بسیار حسنه و نزدیکی با جریان‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، جزیره‌العرب و غیره داشت که گاه و بی‌گاه به ملاقات آنان می‌رفت و یا آنان به ملاقات وی می‌شناختند و با هم به تبادل نظر و مذاکره پیرامون مسائل مورد علاقه می‌پرداختند. مسافرت اخیر ایشان به جمهوری اسلامی

ایران و لبنان و ملاقات با سران جریان‌های اسلامی افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، مستقر در ایران و لبنان را می‌توان یکی از نشانه‌های آن دانست. در سفر اخیر که به مناسبت دهه مبارکه فجر در جمهوری اسلامی ایران داشت، غیر از دید و بازدیدها در سطوح مختلف نهادها و ارگان‌ها و سازمان‌های اسلامی، در سمینار افغانستان نیز که از سوی شورای ائتلاف اسلامی افغانستان تشکیل یافته بود شرکت و سخنانی ارزنده را پیرامون اتحاد و هماهنگی جریان‌های اسلامی ایراد کرد که مورد توجه عموم مستمعین به‌خصوص جنبش‌های آزادی‌بخش قرار گرفت.

از ویژگی‌های دیگر وی برخورد بسیار صمیمی و دوستانه و بدون تکلف با دوستان و آشنایان و کلیه واردین و ملاقات‌کنندگان بود، به طوری که اگر کسی از قبل وی را ندیده بود و نمی‌شناخت، هرگز در برخورد‌های اولیه وی که بی‌پیرایه و بی‌آلایش و در کمال صفا و صمیمیت و اخوت اسلامی بود، وی را نمی‌شناخت و پی‌نمی‌برد که وی همان شخصیت مورد نظر و همان قائد محبوب‌القلوب است.

یک روز من که به‌تازگی از افغانستان مراجعت کرده و به پیشاور رسیده بودم، به عزم دیدار و ملاقات با شهید، همراه یکی از همراهان که اهل کویته پاکستان بود، به دیدن ایشان رفتیم. وقتی علی‌المرسوم با راهنمایی یکی از طلاب وارد مهمانخانه ایشان شدیم که در کنار مدرسه واقع در مدینه کالونی خیابان جی.تی قرار داشت. ایشان حضور نداشت، اما به فاصله زمانی بسیار کمی تشریف آورد و خوشامد گفت و به من و رفیق همراهم در کمال الفت و محبت مصافحه و معانقه کرد. من فکر کردم مرا شناخته است، ولی وقتی مصافحه و معانقه تمام شد و نشستیم و مطابق معمول حال و احوال کردیم فرمود: «من شما را درست به جا نمی‌آورم.» و حق هم با ایشان بود چون من بسا لباس غیر معمول (یعنی بدون عبا و عمامه) و با لباس معمولی پاکستانی رفته بودم... وقتی خود را معرفی کردم و ملاقات‌های گذشته را که در هتل استقلال تهران به مناسبت دهه فجر داشتیم، به یادش آوردم، بلافاصله از جایش بلند شد و همانند یک برادر بسیار رئوف و مهربان، معانقه و مصافحه را از سر گرفت و عذرخواهی کرد که قبلاً مرا نشناخته بود. همین که مصافحه و معانقه تمام شد، پرسید: «از کجا آمده‌اید؟ چرا این طور؟ یعنی چرا با لباس غیر معمولی؟» (بدون عبا و عمامه) گفتیم: «من فعلاً از افغانستان و از نزد مجاهدین آن سامان می‌آیم.» تا

این حرف و نام مجاهدین سنگر نشین را شنید، برای بار سوم از جا بلند شد و با من مصافحه کرد و گفت: «این بار به حساب مجاهدین سنگر نشین و قهرمان افغانستان که آبرویی برای اسلام و مسلمین خریدند، با شما مصافحه و معانقه می‌کنم. من مجاهدین را بسیار دوست می‌دارم، خداوند آنها و همه مجاهدین اسلام را تایید کند ان شاءالله.»

باری پس از آنکه معارفه و حال و احوال مطابق معمول تمام و چای و غیره هم صرف شد، ما موقتاً از وی خداحافظی و به محل اقامت‌مان که کمی دورتر از منزل ایشان بود، مراجعت کردیم. در بین راه که می‌رفتیم، رفیق همراهم که اهل کویته پاکستان بود و به شهید علاقه مفرط و شدیدی داشت، پرسید: «پس قائد کجا بود؟ چطور با ایشان ملاقات نکردی، در حالی که به عزم ملاقات ایشان رفته بودی؟!» گفتیم: «مگر ایشان را ندیدی؟» (البته قائد عنوان عام و معروف ایشان در پاکستان بود). ایشان قائد بود. با کمال تعجب گفت: «قائد؟» گفتیم: «آری قائد» گفت: «عجیب است!»

وقتی ایشان به مناسبت ۶ جولای و بازدید از خانواده‌های زندانیان در کویته آمده بود، آن قدر مردم تشریفات گرفته بودند و آن قدر ازدحام بود که کسی به آسانی ایشان را نمی‌دید و در اینجا این طور ساده بود که از فرط سادگی و بی‌آلایشی شناخته نمی‌شد. گفتیم: «آری، آنجا در سفر رسمی و به عنوان قائد و به منظور تفقد از حال خانواده‌های زندانیان و مردم زجر کشیده و زجر دیده آمده بود و جا داشت همان گونه که شایسته بوده است، مورد استقبال قرار گیرد، ولی در اینجا در خانه و منزل شخصی بود. فرق است میان مسافرت‌های رسمی و حضور در خانه شخصی.»

حاصل آنکه برخوردها و مصاحبت ایشان آن چنان صمیمی و دوستانه و بدون پیرایه صورت می‌گرفت که هرگز کسی وی را از مصاحبت‌ها و برخوردهایش نمی‌شناخت و این یکی از خصوصیات بارز و منحصر به فرد ایشان بود. اما صد حیف که با رفتن ایشان تمام این مظاهر عالی انسانی اسلامی نیز از میان رفت و بسپار زمان می‌خواهد تا همانند و مثل ایشان پیدا و پدیدار گردد. و جای خالی ایشان را پر کند.

«قال الله تعالی فی کتابه: (ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلاًها). بسا وجود این امید است خداوند تبارک، بدل و مماثل جهت رهبری مردم آن سامان عطا و عنایت فرماید. انه قریب مجیب.»

**دیگر ویژگی او تبعیت و پیروی از خط امام بود. وی عقیده داشت که خط امام بهترین و آموخته‌ترین و موفق‌ترین راه مبارزه برای مسلمانان علیه خطوط انحرافی چپ و راست، ارتجاعی و التقاطی به شمار می‌آید، زیرا خط امام در واقع ابعاد مختلف اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دارد که هر بعد آن یک نوع مبارزه را در بر دارد.**

اسباب شکست را به دست خودمان فراهم نیاوریم.» یکی از ویژگی‌های ایشان صفا و خلوص در کارها بود. او هرگز اهل ظاهر سازی و مجامله و سیاست‌بازی نبود. گفته‌های قرآن کریم را که می‌فرمود: «ان تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً و من یتق الله يجعل له مخرجاً» را همواره نصب‌العین قرار می‌داد و سعی می‌کرد تمام کارها را خالصاً مخلصاً لوجه‌الله و ابتغاء لمرضات‌الله انجام می‌داد و در جهت خیر و صلاح عموم باشد.

دیگر ویژگی او تبعیت و پیروی از خط امام بود. وی عقیده داشت که خط امام بهترین و آموخته‌ترین و موفق‌ترین راه مبارزه برای مسلمانان علیه خطوط انحرافی چپ و راست، ارتجاعی و التقاطی به شمار می‌آید، زیرا خط امام در واقع ابعاد مختلف اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دارد که هر بعد آن یک نوع مبارزه را در بر دارد، مثلاً در بعد اعتقادی مبارزه با شرکت و الحاد را در بردارد، و در بعد اقتصادی مبارزه با استثمار را و در بعد اجتماعی مبارزه با استبداد را... و در مجموع مبارزه با همه فتنه و فساد را... و بنابراین اگر بنا باشد انسان با کژی‌های فکری و انحرافات عملی جامعه به مبارزه برخیزد، لازم است از طریق خط امام که روشن‌ترین و واضح‌ترین و مستقیم‌ترین خطوط مبارزاتی است، وارد کارزار گردد و گرنه ممکن است خود دچار انحراف گردد و هرگز بر دیگر خطوط انحرافی پیروز نگردد.

دیگر ویژگی‌های وی، علاقه و محبت مفرط به

